

تفاوت‌های هنرستان‌ها با دبیرستان‌ها

دکتر احد نویدی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

مقایسه فضای روانی-اجتماعی
هنرستان‌ها و دبیرستان‌های
دخترانه در شهر کرج

محسوب می‌شود و تمام کوشش‌های
این نظام برای جامعه عمل پوشاندن
به این امر است.

به عبارت دیگر، جامعه و به‌طور ویژه
آموزش و پرورش، نسبت به سرنوشت،
رشد و تکامل فرد در جامعه، علاقه‌مند
است و انتظار دارد فرد در ابعاد مختلف
شخصیت (شناختی، عاطفی و رفتاری)
آن چنان که شایسته است تعالی یابد. با

توجه به اینکه میزان پیشرفت و افت تحصیلی یکی
از ملاک‌های کارایی نظام آموزشی است، مطالعه و
کشف و شناخت متغیرهای تأثیرگذار بر پیشرفت
تحصیلی، به تبیین و کنترل متغیرهای مؤثر در
مدرسه می‌انجامد، بنابراین، بررسی متغیرهایی که
با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد، یکی از موضوعات
اساسی پژوهش در نظام آموزش و پرورش به حساب
می‌آید (فراهانی، ۱۹۹۴).

مقدمه

در حال حاضر آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع
محسوب می‌شود و موفقیت و سعادت ملت‌ها به
کیفیت تعلیم و تربیت آن‌ها وابسته است (نویدی،
۱۳۹۰). به همین دلیل، بهبود نظام آموزشی و تضمین
موفقیت دانش‌آموزان، دغدغه اصلی سیاست‌گذاران،
مدیران و متخصصان تعلیم و تربیت است. در واقع،
پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان یکی
از شاخص‌های مهم در ارزیابی آموزش و پرورش

کلیدواژه‌ها:

جو مدرسه، رشد اخلاقی،
موفقیت تحصیلی



**جو مدرسہ در نظام
آموزشی کشورهای
جهان سوم، معمولاً
مورد غفلت واقع
می شود. این غفلت
در فعالیت های
پژوهشی هم دیده
می شود**

تعمیم یافته های آنها محدود است. در اینجا به تعدادی از پژوهش ها اشاره می شود:

کدیور (۱۳۷۸) ضمن بررسی جو سازمانی مدارس راهنمایی شهر تهران اذعان دارد که چنین جوی در حکم بستری برای رشد شخصیت دانش آموز و روحیه کارکنان از اهمیت برخوردار است. کدیور (۱۳۷۵) در پژوهش خود، تحت عنوان بررسی رشد قضاوت های اخلاقی دانش آموزان و رابطه آن با جو سازمانی و نحوه تعامل معلم و دانش آموز « نشان داد که رشد اخلاقی و مهارت قضاوت دانش آموزان در جوهای مختلف متفاوت است و بین جو حاکم و رشد اخلاقی رابطه وجود دارد.

گلچین آرانی (۱۳۷۷) در تحقیق خود، تحت عنوان «بررسی رابطه جو سازمانی و عملکرد تحصیلی مدارس ابتدایی شهرستان آران و بیدگل» نشان داد بین جو سازمانی و عملکرد تحصیلی مدارس ابتدایی همبستگی وجود دارد.

بروکو^۳ و اتال^۴ (۲۰۰۲) دریافتند که بین متغیر جو و پیشرفت تحصیلی همبستگی بالایی وجود دارد. نگ^۵ (۲۰۰۵) نشان داد که مدارس دارای جو اجتماعی مطلوب، باعث پیشرفت فراگیران می شوند. بولاک^۶، کاستلمن^۷ و مالون^۸ (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیدند که بین جو سازمانی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. تیم تحقیقاتی ایالت نیوجرسی به این نتیجه رسیدند که بین جو سازمانی باز و پیشرفت تحصیلی و سلامت سازمانی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. (هوی^۹ و سبو^{۱۰}، ۱۹۹۸). بروک اور^{۱۱} (۱۹۷۷)؛ هیرس^{۱۲}، (۲۰۰۰) و براون^{۱۳}، (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که بین جو

در پاسخ به دغدغه تضمین موفقیت دانش آموزان تلاش های فراوانی در طول تاریخ آموزش و پرورش رسمی به عمل آمده که عمدتاً به بهبود درونداد، فرایند و برونداد نظام آموزشی معطوف بوده است. دانش فراهم شده در حوزه علوم تربیتی نشان می دهد که ویژگی های شناختی و عاطفی دانش آموزان هم به عنوان درونداد و هم به عنوان برونداد نظام آموزشی از اهمیت اساسی برخوردار است.

از طرف دیگر، جو مدرسہ یکی از عواملی است که به طور ضمنی موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به اینکه جو سازمانی یکی از عوامل نادر قابل دستکاری در سازمان هاست (خلخالی، ۱۳۷۹) و مسئولان مدرسہ با تغییر آن می توانند شرایط مناسب تری را برای فعالیت های آموزشی مدارس فراهم آورند، بررسی آن می تواند حائز اهمیت فراوان باشد.

پیترز^۱ و واترمن^۲ (۱۹۹۸؛ به نقل محمدی، ۱۳۸۸) پیشنهاد کردند جو سازمانی به دلیل اثری که بر فرد، گروه، بازدهی سازمانی و درجه برتری سازمان دارد، موضوعی است که باید به دقت مورد مطالعه قرار گیرد. جو مدارس بیش از وجود امکانات خاص یا خصوصیات منزلتی مدرسہ در موفقیت دانش آموزان سهیم است (شیرازی، ۱۳۷۴). با وجود این، تلویحات جو مدرسہ در نظام آموزشی کشورهای جهان سوم، معمولاً مورد غفلت واقع می شود. این غفلت در فعالیت های پژوهشی هم دیده می شود، به طوری که تعداد پژوهش های انجام شده در مورد جو مدرسہ بسیار محدود است و بیشتر آن ها به مطالعات همبستگی اختصاص دارد. از طرف دیگر، قابلیت

رشد اخلاقی و مهارت قضاوت دانش‌آموزان در جوهای مختلف متفاوت است و بین جو حاکم و رشد اخلاقی رابطه وجود دارد



سازمانی و موفقیت دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (بروک اور، ۱۹۷۷؛ هیرس، ۲۰۰۰؛ براون، ۲۰۰۲؛ به نقل قشقایی‌زاده، ۱۳۸۶).

مونتنو^{۱۴} و براون (۱۹۹۰) به این نتیجه رسیدند که بین جو سازمانی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد ولی این رابطه یک رابطه خطی نیست. پاردرز^{۱۵} (۱۹۹۳، به نقل کدیور، ۱۳۷۸) معتقد است که وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و جو مدرسه از عوامل عمده پیش‌بینی‌کننده افت تحصیلی هستند، ولی جو مدرسه عامل پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است. ونزل^{۱۶} (۱۹۹۸) نشان داد که چگونگی و کیفیت رابطه معلم و دانش‌آموز و برداشت‌های دانش‌آموز از حمایت معلم به میزان زیادی انگیزش تحصیلی دانش‌آموز را بهبود می‌بخشد. ریان^{۱۷} (۲۰۰۱) نیز دریافت، دانش‌آموزانی که معلم با آن‌ها رابطه گرم و دوستانه برقرار ساخته و حامی استقلال و خودمختاری آن‌هاست، انگیزه درونی بیشتری دارند، احساس شایستگی بیشتری می‌کنند و تمایل فراوانی برای انجام تکالیف درسی دارند.

یافته‌های مطالعات یاد شده بر نقش کلیدی جو حاکم بر مدرسه در موفقیت تحصیلی دلالت دارند و به اعتبار آن‌ها می‌توان گفت رصد کردن مستمر جو مدرسه شرط لازم برای هدایت تحصیلی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، نظام آموزش فنی‌و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزش هر کشور است و ارتقای آن از جمله خط‌مشی‌های اساسی کشورها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطح پیش از دانشگاه محسوب می‌شود (کازامیاس^{۱۸} و روزاکیس، ۲۰۰۳).

صالحی و همکاران (۱۳۸۸) با اشاره به آثار پژوهشگران و صاحب‌نظران (ساخاروپولوس و لوکسلی، ۱۹۸۵؛ نیومن و ذیدرمن، ۱۹۹۱؛ فیزبین و ساخاروپولوس، ۱۹۹۳؛ بنل^{۱۹}، ۱۹۹۶؛ ماندل^{۲۰}، ۱۹۹۸؛ بیشاپ^{۲۱}، ۱۹۹۸؛ ونتلینگ^{۲۲} و بارنارد، ۱۹۸۴؛ مک‌کینی^{۲۳}، فارلی^{۲۴}، اسمیت، کوهان و پراتزر^{۲۵}، ۱۹۸۵؛ استار، ۱۹۸۶؛ هال، ۱۹۸۷، مرکز-کلر^{۲۶}، ۱۹۸۸؛ هاجلندر، لوسکو^{۲۷} و ران، ۱۹۹۲؛ استاز^{۲۸} (۱۹۹۹) ضمن تأکید بر اهمیت آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای، ضرورت مطالعه علمی هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای را نشان داده‌اند.

بنابراین، مطالعه متغیرهای مؤثر در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و بازبینی مستمر شرایط

واحدهای آموزشی به‌عنوان سطح حساس نظام آموزشی، به‌ویژه مطالعه جو واحدهای آموزشی می‌تواند اطلاعات لازم را برای اعمال اصلاحات ضروری فراهم سازد.

یافته‌های مطالعات انجام شده در ایران (برای مثال، شیرازی، ۱۳۷۴؛ کدیور، ۱۳۷۸؛ رئیسی، ۱۳۸۲) و خارج از ایران (برای مثال، ونتزل، ۱۹۹۸؛ رایان، ۲۰۰۱؛ انتویستل^{۲۹}، ۱۹۸۸؛ فرسیدز و وودفیلد، ۲۰۰۳؛ باتلر و وین، ۱۹۹۵؛ دیک، کری و کری، ۲۰۰۱؛ بال^{۳۰}، ۱۹۹۷) (به نقل بحرانی، ۱۳۸۴) درباره جو مدرسه و تأثیر آن بر انگیزش و عملکرد تحصیلی، مبنای نظری این مطالعه را روشن می‌سازد.

مقایسه هنرجویان هنرستان با دانش‌آموزان دبیرستان از لحاظ جو مدرسه، از این نظر جذابیت دارد که شواهد متناقض، به ابهام‌ها و اختلاف‌نظرهای عمده‌ای در میان متولیان آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای منجر شده است. مسئولان رسمی آموزش فنی‌و حرفه‌ای ادعا می‌کنند که هنرجویان براساس ضوابط تعیین شده از میان افراد مستعد و علاقه‌مند انتخاب می‌شوند و در هنرستان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار را کسب می‌کنند و معمولاً شانس بیشتری برای اشتغال دارند. در نتیجه، توسعه رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای می‌تواند به عدالت اجتماعی کمک کند. این ادعا در بسیاری از محافل و اسناد رسمی مربوط به وزارت آموزش و پرورش (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۳؛ قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) دیده می‌شود.

از طرف دیگر، شواهد پراکنده نشان می‌دهد که به دلایل مختلف، شیوه هدایت و راهنمایی تحصیلی به‌گونه‌ای انجام می‌شود که از بین محصولات آموزش و پرورش کم‌کیفیت موجود، کسانی جهت آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای به‌صورت گزینشی گسیل می‌شوند که نه‌تنها انگیزه مثبتی در آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای ندارند، بلکه از نظر آمادگی در مهارت‌های شناختی و نگرش‌ها و رفتار نسبت به سطح متوسط دانش‌آموزان در سطوح نازل‌تری هستند.

در دوره متوسطه، چه در گذشته و چه در نظام جدید آموزش متوسطه، عموماً ورود به آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای از نظر پیشرفت تحصیلی از میان کسانی صورت می‌پذیرد که در رشته‌های ریاضی-فیزیک یا تجربی پذیرفته نمی‌شوند. از آنجا که ملاک‌های آموزشی (نمره دروس خاص) در هدایت

پاردز (۱۹۹۳)، به
نقل کدیور، (۱۳۷۸)
معتقد است که
وضعیت اقتصادی
و اجتماعی خانواده
و جوّ مدرسه
از عوامل عمده
پیش‌بینی‌کننده
افت تحصیلی
هستند، ولی جوّ
مدرسه عامل
پیش‌بینی‌کننده
مهم‌تری است



در این پژوهش فرض شده است جوّ دبیرستان‌ها متفاوت از هنرستان‌هاست. برای آزمودن این فرضیه از میان دبیرستان‌ها و هنرستان‌های دخترانه شهر کرج، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، دو مدرسه و از هر مدرسه ۶۵ نفر از دانش‌آموزان پایه دوم و سوم به صورت تصادفی انتخاب شد. علاوه بر این، از هر مدرسه ۲۰ نفر از معلمان و ۲۵ نفر از اولیای دانش‌آموزان نیز به طور تصادفی، جزو نمونه بود. در کل نمونه آماری شامل ۲۶۰ دانش‌آموز، ۸۰ معلم و ۱۰۰ والدین بوده است.

ابزار پژوهش

برای اندازه‌گیری جوّ مدرسه از دو نوع پرسش‌نامه جامع سنجش جوّ مدرسه (CSCI) ۳۱ و هالپین و کرافت (OCDQ) ۳۲ استفاده شده و معدل نمرات نیم‌سال اول دانش‌آموزان به عنوان شاخص عملکرد تحصیلی منظور گردیده است.

یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی تفاوت دو نوع واحد آموزشی متوسطه (هنرستان و دبیرستان)، ابتدا میانگین متغیر جوّ برای دو نوع مدرسه مورد مطالعه، محاسبه شد و سپس آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی معناداری تفاوت، اجرا شد. این اطلاعات در جدول ۱ ارائه شده است.

تحصیلی نقش غالب را ایفا می‌کند (نویدی، ۱۳۷۶) حداقل می‌توان گفت که عمدتاً دانش‌آموزانی که از نظر علمی ضعیف‌ترند به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش راه پیدا می‌کنند (میری چیمه، ۱۳۷۴؛ غریب، ۱۳۷۴؛ طهماسبی، ۱۳۷۸؛ نفیسی، ۱۳۷۸؛ خلفی، ۱۳۷۸؛ امیری، ۱۳۷۹).

در صورتی که پایین بودن سطح استعداد، انگیزش و عملکرد در ورودی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای پذیرفته شود، گمان می‌رود محیطی فراهم شود که چندان مساعد یادگیری و پیشرفت نباشد و دور بسته‌ای به وجود می‌آید که به استمرار نارسایی‌ها می‌انجامد. در چنین شرایطی بعید نیست که جوّ حاکم بر هنرستان‌ها برای تحقق اهداف اصلی آموزش و پرورش چندان مساعد نباشد. اما باید توجه داشت که برای اتخاذ تصمیمات مهم نمی‌توان به حدس و گمان بسنده کرد و در حال حاضر شواهد متقاعدکننده‌ای برای بررسی درستی این حدس و گمان‌ها وجود ندارد.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، وجود ابهام در مورد مطلوب بودن جوّ مدرسه و پیشرفت تحصیلی هنرجویان هنرستان است که برای قضاوت در مورد آن، دبیرستان به عنوان مرجع داوری انتخاب می‌شود. انتظار می‌رود این مطالعه و بررسی بتواند ابهام یاد شده را برطرف سازد و برای اقدامات ضروری جهت بهبود وضع واحدهای آموزشی رهنمودهایی ارائه دهد.

شاخص‌ها متغیر	تعداد افراد گروه		میانگین		انحراف استاندارد		خطای استاندارد		آفا	نتیجه	
	هنرستان	دبیرستان	هنرستان	دبیرستان	هنرستان	دبیرستان	هنرستان	دبیرستان			
جو دانش‌آموزان	۱۳۰	۱۳۰	۷۸/۴۱	۷۵/۸۸	۸/۲۳	۸/۰۷	۰/۷۲	۰/۷۰	۲/۵۰	۱/۰۱	معنادار
جو معلمان	۴۰	۴۰	۸۹/۱۰	۹۲/۲۷	۱۳/۳۹	۱۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۷۱	-۲/۴۳	۰/۰۲	معنادار
جو والدین	۵۰	۵۰	۷۳/۸۸	۶۹/۵۶	۶/۶۵	۴/۱۷	۰/۹۴	۰/۵۸	۳/۸۸	۰	معنادار

مقایسه با رشته‌های نظری ضعیف‌تر است. پژوهش‌های متعددی وجود دارد که بر ضعف عملکرد دانش‌آموزان هنرستان دلالت دارند. فرجاد (۱۳۸۸) اعتقاد دارد در ایران کسانی که از عهده‌فراگیری مواد علمی و نظری بر نمی‌آیند و در دبیرستان‌های معمولی نمی‌توانند به تحصیلات خود ادامه دهند، به شرکت در دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای تشویق می‌شوند.

نفیسی (۱۳۸۷) بیان می‌کند بررسی وضعیت ورودی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که پذیرفته‌شدگان این دوره‌ها، عموماً در آزمون پایین‌ترین امتیاز را دارند و این امتیاز پایین، مؤید عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر در پذیرفته‌شدگان است. صالحی و همکاران (۱۳۸۵) نیز میزان ناچیز موفقیت و عملکرد نامطلوب را در هنرستان‌های پسرانه کار دانش شهر تهران گزارش کرده‌اند.

صالحی و همکاران (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند که کیفیت بخش درون‌داد هنرستان‌های دخترانه شهر تهران، در سطح نامطلوب قرار دارد. ساخاراپولوس، ۱۹۸۷؛ بانک جهانی، ۱۹۸۶؛ میجر، ۱۹۹۱؛ مایر، ۱۹۹۲؛ سیمسک و آمنتروپ، ۱۹۹۳؛ اولکان، ۱۹۹۵؛ لینچ، ۲۰۰۰؛ گوست، ۲۰۰۲؛ بیلت، ۲۰۰۴) پیشرفت تحصیلی نامناسب و تزریق دانش‌آموزان ناکارآمد به مدارس فنی و حرفه‌ای را گزارش کرده‌اند (به نقل صالحی و همکاران، ۱۳۸۸). خلفی (۱۳۷۸) معتقد است که با وجود نقش راهبردی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای رسیدن به توسعه پایدار، به دلیل بی‌توجهی جدی مسئولان، زمینه هدایت دانش‌آموزان کم‌بضاعت علمی و هوشی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فراهم شده است.

در تبیین نتایج به‌دست آمده، می‌توان گفت که جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده که ممکن است با کاستی‌هایی همراه باشد. از جمله با اینکه بارها در مورد محرمانه بودن جواب‌ها اطمینان داده می‌شد،

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین‌های عامل جو، در دو نوع واحد آموزشی مورد نظر (هنرستان و دبیرستان)، تفاوت معناداری وجود دارد و بر اساس ارزیابی دانش‌آموزان و اولیا، جو هنرستان نسبت به دبیرستان مثبت است. در حالی که بر اساس ارزیابی معلمان، جو دبیرستان نسبت به هنرستان مثبت است.

بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که اشاره شد، یکی از یافته‌های این پژوهش بر وجود تفاوت بین جو هنرستان و دبیرستان، دلالت دارد. بر اساس ارزیابی دانش‌آموزان و اولیای آنان جو هنرستان نسبت به دبیرستان مناسب‌تر است. اما بر اساس ارزیابی معلمان جو دبیرستان مساعدتر است. بنابراین، یافته‌های این مطالعه با نوعی ناهماهنگی همراه است.

این ناهماهنگی در سایر شواهد پژوهشی هم خود را نشان داده است. برای نمونه، نیکخو (۱۳۸۶)، در پژوهش خود مطلوبیت مراکز فنی و حرفه‌ای را در حد متوسط به بالا گزارش کرده است. ذاکری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مطالعه خود، سطح کیفی هنرستان‌ها را در حد خوب تا بسیار خوب گزارش کردند. همچنین پرایس (۲۰۰۹) محیط سازمان‌های فنی و حرفه‌ای را مثبت ارزیابی کرد. با وجود این، درانی و صالحی (۱۳۸۵) به این نتیجه رسیدند که وضعیت کیفی هنرستان‌های کار دانش در سطح نامطلوبی است. صالحی (۱۳۸۴)، به وجود برخوردهای ناشایست و زشت، مانند فحاشی و تنبیه بدنی از سوی برخی اعضای هنرستان‌ها با هنرجویان و شیوع مصرف مواد دخانی در هنرستان‌های پسرانه کار دانش منطقه ۲ شهر تهران اشاره کرده است.

با وجود اینکه ارزیابی دانش‌آموزان از فضای روانی-اجتماعی هنرستان مثبت است، به نظر می‌رسد ارزیابی معلمان از جو هنرستان قابل اعتمادتر است. زیرا معمولاً عملکرد دانش‌آموزان هنرستانی در

کسانی جهت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت گزینشی گسیل می‌شوند که انگیزه مثبتی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ندارند



*پی‌نوشت‌ها

1. Peters
2. Waterman
3. Brokove
4. Etal
5. Nagg
6. Bulach
7. Castleman
8. Malone
9. Hoy
10. Sabo
11. Brookover
12. Hirase
13. Brown
14. Montoya
15. Pareds
16. Wentzel
17. Ryan
18. Kazamias
19. Bannel
20. Mundle
21. Bishop
22. Wentling
23. Mckinney
24. Farley
25. Pratzner
26. Merkel- Keller
27. Levesque
28. Stasz
29. Entwistle
30. Ball
31. Comprehensive School Climate Inventory
32. Organizational Climate Description Questionnaire
33. Converse
34. Schuman

پیشنهادهای

با توجه به تأثیر جوّ مثبت مدرسه بر کیفیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، تلاش مستمر برای ایجاد جوّ مطلوب ضرورت دارد. همچنین با توجه به محدودیت در تعمیم یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود برای تعمیق آگاهی‌های علمی در خصوص جوّ هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و دبیرستان‌ها در پژوهش‌های بعدی از ابزارهای مطمئن‌تر (نظیر مصاحبه و مشاهده) و از نمونه‌های آماری گسترده و متنوع، استفاده شود.

درمی‌یافتیم که دانش‌آموزان به دلیل ترس از مدیر و ناظم از افشای جوّ مدرسه خود امتناع می‌کردند. گفتنی است در بسیاری از موارد، پژوهشگر شاهد بدترین برخوردها از سوی ناظم و مدیر با هنرجویان بود، در حالی که هنگام پاسخ‌گویی به سؤال‌های پرسش‌نامه، این موارد نادیده گرفته می‌شد.

از طرف دیگر، ممکن است آن دسته از محدودیت‌های فرهنگی-اجتماعی که دانش‌آموزان با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند، به‌عنوان عامل اثرگذار بر پاسخ‌ها عمل کرده باشد. به این معنی که دانش‌آموزان در پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها، به این سو تمایل داشتند که خود را برتر نشان دهند و در پی انتخاب بهترین جواب‌ها بودند.

کانورس ۳۳ و شومان ۳۴ (۱۹۷۱) و کمبل (۱۹۸۱) مطرح می‌کنند که پاسخ‌دهندگان طبقات پایین اجتماع هنگامی که در برابر افرادی قرار می‌گیرند که متعلق به طبقات بالای اجتماع‌اند، برای دادن پاسخ‌های درست تمایل کمتری دارند (به نقل دلاور، ۱۳۸۵).